

بررسی معناشناختی واژه کفر

در قرآن کریم

حسن خود روان

مقدمه

یکی از مفاهیم مهم، پیچیده و پرکاربرد در قرآن کریم، مفهوم کفر است که در سرتاسر قرآن و همه سوره‌ها و آیات آن، به نحوی گسترش دارد. این واژه با مشتقاتش - با بیش از ۵۰۰ بار تکرار در قرآن کریم - از مفاهیم جامع و فراگیری است که همه صفات متعلق به خصایص نکوهیده، به نوعی با آن ارتباط دارند. مفهوم کفر به منزله قطبی است که دیگر مفاهیم همسان و صفات منفی دیگر، به گرد آن می‌چرخند.

با وجود تلاشهای گسترده اندیشمندان در شناخت ماهیت کفر، درباره این مفهوم تاکنون - چنانکه باید و شاید - تحقیق روشمند و محققانه‌ای نشده است. همچنین، ارتباط کفر با مفاهیم همسان و متضاد آن مشخص نگردیده، و زمینه‌ها و پیامدهای کفرورزی از بیان قرآن کریم استخراج نشده است.

پیش از پرداختن به اصل موضوع، مطلبی را برگرفته از اندیشه‌های ایزوتسو، به عنوان مقدمه می‌آوریم، به اعتقاد وی، ما هنگام مراجعه به واژه‌های کلیدی قرآن، با دو امر مواجه می‌شویم که جنبه‌ای از آن چنان آشکار است که شایسته اشاره نیست، و جنبه دیگر چندان

وضوحی ندارد. جنبه آشکار موضوع، آن است که هر کلمه منفرد که به صورت جدا از کلمات دیگر در نظر گرفته شود، معنای اساسی یا مفهوم تصویری خاص خود را دارد. برای نمونه، معنای اساسی واژه «کتاب»، نوشته و نامه است. در حالی که در دستگاه اسلامی و نظام قرآنی، ارتباط خاصی با کلمات مهم دیگر مانند «الله»، «نبی»، «وحی»، «نزل» و «اهل» پیدا می‌کند. از این رو، این واژه معنای تازه‌ای می‌یابد، که برخاسته از روابط و نسبت‌های آن با دیگر مفاهیم و اصطلاحات است.

بنابراین، یک کلمه با قرارگرفتن در دستگاه اسلامی یا نظام قرآنی، در ارتباط با کلمات و اصطلاحات دیگر صبغه معناشناختی خاصی به خود می‌گیرد که اگر بیرون از آن دستگاه - بدون در نظر گرفتن در ترکیبات خاصی - لحاظ شود، هرگز آن معنا را دربرنمی‌گیرد.

نکته قابل توجه اینکه تا زمانی که این واژه در متن قرآنی به کار رفته باشد، جزیی از معنای آن کلمه و حتی بسیار مهمتر از خود معنای اساسی آن به شمار خواهد آمد. این بخش از معنا در نزد ایزوتسو، به عنوان معنای نسبی قلمداد می‌شود. از دیدگاه وی، «معنای نسبی

بی‌اعتقادی و نفی تصور ایمان نزدیک شده است. «در آن آیات قرآنی که نزدیک اواخر زندگی حضرت محمد(ص) به او وحی شده، دیگر «کفر» معنای ضد «شکر»؛ یعنی سپاسگزار بودن، ندارد، بلکه کلمه‌ای ضد «آمن» است. و اسم فاعل آن؛ یعنی کافر، . . . بسادگی معنای «غیر مؤمن» پیدا کرد» [ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۹].

البته، به نظر می‌آید قبول برخی از این سخنان، بویژه اینکه: «دیگر «کفر» معنای ضد «شکر»؛ یعنی سپاسگزار بودن، ندارد» به صورت مطلق پذیرفته نیست؛ زیرا نمونه‌هایی از تقابل کفر و شکر در سوره‌های مدنی مشاهده می‌شود. در سوره مدنی بقره آمده است: «فاذکرونی اذکرکم و اشکروالی و لاتکفرون» [بقره/۱۵۲] (پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا شکر کنید و ناسپاسی مکنید).

تضاد میان کفر و ایمان

کفر به معنای ناسپاسی با ورود به نظام و جهان بینی اسلامی و با حفظ همان معنا - ولی در ساختار جدید - علاوه بر تقابل آن با شکر، با ایمان و مفاهیم همسان آن مانند: اسلام، اخبات و تقوا نیز متضاد شد، که در این مجال به بررسی اجمالی تضاد میان کفر و ایمان می‌پردازیم.

کفر و ایمان، از مفاهیم عمده و کلیدی قرآن کریم می‌باشند که هرکدام، حوزه معنایی مستقلی را تشکیل داده‌اند. در مقایسه دو حوزه معنایی کفر و ایمان، درمی‌یابیم که آن دو، به منزله دو قطبی متضادند که همه صفات مطلوب و نامطلوب بر محور آنها می‌چرخند. اگر پیش از هر توضیحی به نمودار ذیل توجه کنیم، به ظاهر به رابطه هرکدام از کفر و ایمان با مفهوم کانونی الله و تقابل آن دو با یکدیگر پی خواهیم برد.

در این نمودار، مستطیل (الف)، بیانگر کل مجموعه کلمات قرآنی است که به عنوان شبکه مفهومی بزرگی، دستگاه‌های تصویری کوچکتر قرار گرفته بر روی یکدیگر را، در خود جای داده است. هرکدام از دستگاه‌های تصویری کوچکتر - به تعبیر آقای ایزوتسو - «میدانهای معناسناختی» به شمار می‌روند که در حین مشترک بودن در برخی از جنبه‌ها، مختصاتی نیز مربوط به حوزه خود دارند. فرضاً، دایره‌های (ب) و (ج) که نماینده مفاهیم کفر و ایمان به شمار می‌روند، با مفهوم کانونی و مرکزی «الله»، ارتباطی تنگاتنگ دارند که در جهان بینی

چیزی است که دلالت ضمنی دارد و در نتیجه پیداشدن وضع خاصی برای آن کلمه در زمینه‌ای خاص، به معنای اساسی پیوسته و افزوده می‌شود، و در نظام تازه نسبت به کلمات مهم دیگر، نسبتها و روابط گوناگون پیدا می‌کند. [ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۵].

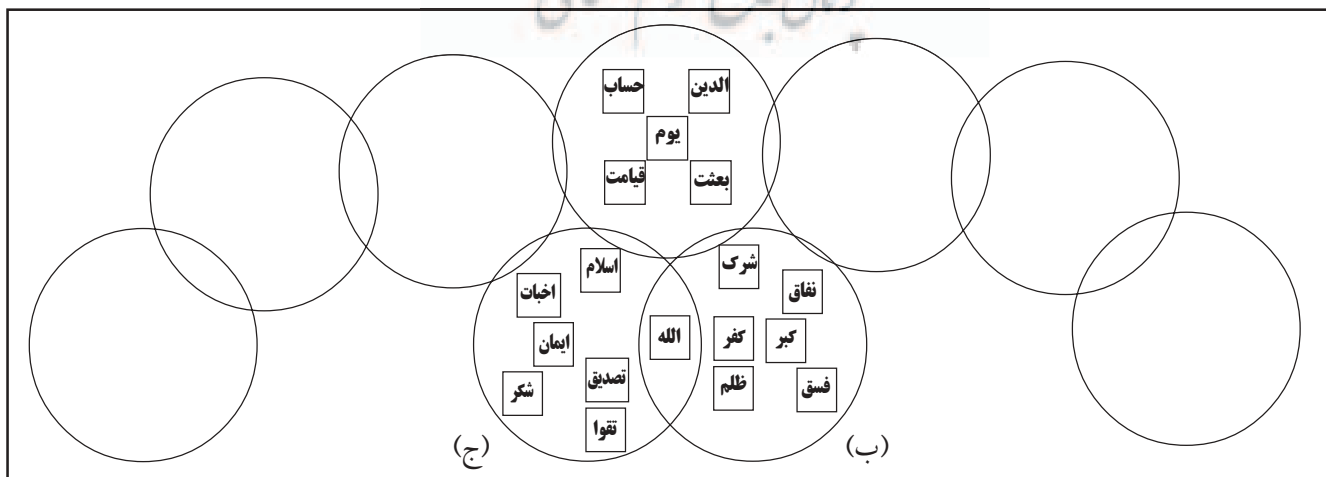
گاهی قدرت کل دستگاه و نظام در تغییر معنایی، چنان است که تقریباً واژه معنای اساسی و تصویری خاص خود را از دست می‌دهد، و به صورت کلمه دیگر درمی‌آید. آشکارترین نمونه معناسناختی در قرآن کریم، واژه «کفر» است.

معنای اساسی کفر

معنای اساسی کفر، «ناسپاسی کردن» و «ناسپاس بودن» در مقابل خیر و احسانی است، که به شخصی از طرف شخص دیگر رسیده باشد. این معنا در میان همه افرادی که به زبان عربی تکلم می‌کنند، مشترک است؛ به طوری که در همه زمانها هم این معنا حفظ شده است. برای نمونه، واژه «کافرین» در آیه: «قال الم نربک فینا ولیداً و لبثت فینا من عمرک سنین و فعلت فعلتک التی فعلت و انت من الکافرین» [شعراء/۱۸-۱۹] (گفت: آیا تو را نزد خودمان به هنگام کودکی پرورش ندادیم و تو چند سال از عمرت را در میان ما نگذراندی و مرتکب شدی کارت را که از تو سر زد و تو از ناسپاسانی) که از زبان فرعون به حضرت موسی (ع) گفته شد، در یک بافت معنایی غیردینی، مفهوم ناسپاسی را برای کفر بخوبی روشن می‌سازد [طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ۲۸۴].

اما در نظام قرآنی بین کلمه «کفر» و کلمه «الله»، ارتباطی مستقیم به وجود آمد. در حوزه این میدان معناسناختی، دیگر کفر، بیان‌کننده مفهوم ساده ناسپاسی نبود؛ بلکه مفهوم ناسپاسی به خدا و قدرشناسی به احسان و عنایت الهی پیدا کرد.

قرآن به انسان می‌آموزد که از وابستگی و نیازمندی بنیادی خویش به خدا غافل نباشد. این غافل نبودن، همان آغاز ایمان و اعتقاد واقعی انسان به خداست. از همین جا، معلوم می‌شود که چگونه «کفر» بتدریج از معنای اساسی خود منحرف شده، و به معنای



قرآنی بدون در نظر گرفتن آن، بی مفهوم خواهند بود. از طرفی، همین دو مفهوم کفر و ایمان، متعلقاتی نیز مختص به حوزه معنایی خود دارند که در زمینه معناشناسی، علاوه بر فهم ارتباط مفاهیم متضاد، فهم پیوند آنها با یکدیگر نیز لازم است.

ایمان

با یک نگاه اجمالی به قرآن کریم، گسترش این واژه با شکلهای مختلف و سیغه های متفاوت در بیشتر آیات قرآنی، بر کسی پوشیده نخواهد ماند. در واقع، کمتر صفحه ای از قرآن را می یابیم که در آن، ایمان و مشتقات آن به کار نرفته باشد. این واژه علاوه بر مفاهیم همسان خود، با مشتقاتش، بیش از ۸۰۰ بار در قرآن کریم به کار رفته است. با اندکی تدبیر در برخی از این آیات، تقابل و تضاد ایمان، به عنوان سرچشمه و منبع همه فضایل اخلاقی، با کفر، به عنوان منشأ همه رذایل اخلاقی، بخوبی آشکار خواهد شد.

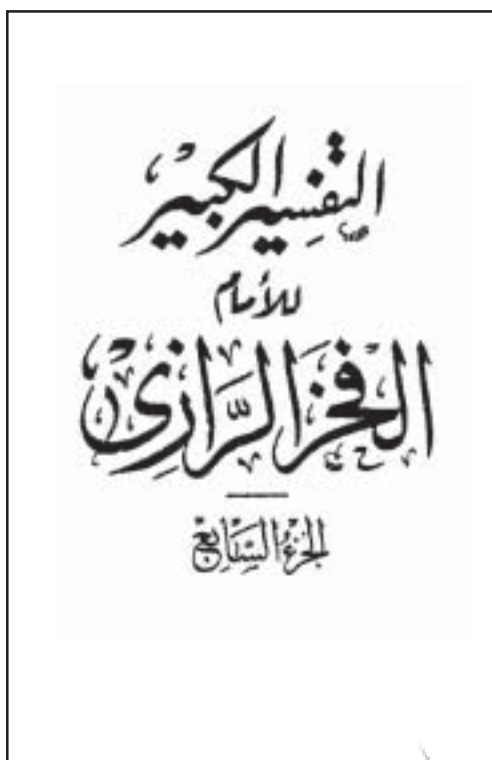
با وجود برقراری رابطه تضاد میان کفر و ایمان، فهم این دو، چنان لازم و ملزوم یکدیگرند که درک درست هر یک از آن دو، بدون دیگری امکان ندارد. به عبارت دیگر، فهم درست ساختمان معنایی کفر و ایمان، منوط به درک صحیح هر دو آنهاست. در این میان، مفهوم هر کدام که روشن شود، مفهوم دیگری نیز، قاعدتاً مشخص خواهد شد؛ بویژه درباره کفر که دانستن مفهوم آن، تا حدود زیادی، لازمه دریافت صحیح بیشتر ویژگیهای مربوط به حوزه معنایی ایمان است. راجع به تقدم بررسی معنایی کفر بر ایمان، اندیشمندانی همچون: استاد شهید مطهری (ره) و آقای ایزوتسو، بوضوح بدان اذعان کرده اند. در این باره، صاحب کتاب مفاهیم اخلاقی - دینی چنین می گوید: «به عقیده من، حتی مفهوم ایمان را، به عنوان بالاترین و والاترین ارزش اخلاقی و دینی در اسلام، از طریق تجزیه و تحلیل مفهوم کفر، یعنی از جنبه منفی ایمان، و به طور غیرمستقیم بهتر می توان روشن ساخت تا از طریق مستقیم» [ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی - دینی، ۲۳۹].

بر این اساس، برای تجزیه و تحلیل کفر و ایمان، برخی از آیاتی که در آنها تضاد میان کفر و ایمان بروشنی نمایان است، با دسته بندی ذیل، ذکر می شود.

۱. آیاتی که سیر و سلوک جداگانه ای را برای هر کدام از اهل کفر و ایمان بیان می کنند؛ همچون آیه: «الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت» [نساء/۷۶] (کسانی که ایمان آوردند در راه خدا می جنگند و کسانی که کافر شدند در راه طاغوت می جنگند). این آیه نشان می دهد که اهل ایمان در راه خدا، و کافران در راه شیطان جهاد می کنند.

در آیه «ان الله یدخل الذین آمنوا و عملوا الصالحات جنات تجری من تحتها الانهار والذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الانعام والنار مثوی لهم» [محمد/۱۲] (بدرستی که خداوند کسانی را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، به بهشتهایی که نهرها از زیر آن جاری است وارد می کند و کسانی که کافر شدند بهره مند می شوند و می خورند همان گونه که چهارپایان می خورند و آتش جایگاه آنان است)، تقابل میان کفر و ایمان از دو جهت بازگو شده است:

الف: اختلاف در سیر و سلوک دنیوی؛ که مؤمنان در پی کارهای



خیر و صلاحند. در حالی که کافران دائم به دنبال تن پروری و بهره جویی از لذتهای مادی اند.

ب: اختلاف در پاداش اعمال؛ که مؤمنان به دلیل همان کارهای نیکشان روانه بهشت می شوند، ولی کافران به دلیل عیش و نوش و زندگانی حیوانی شان، وارد دوزخ و گرفتار آتش الهی می گردند [فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۸، ۵۱].

۲. آیاتی که به دلیل اختلاف عملکرد مؤمنان و کافران، پیامدهای گوناگونی را برای اعمال ایشان بازگو می کنند. بیان تشابه و یکسانی، یا تقابل و دوگانگی عقوبت در آیات متعدد قرآن کریم، یکی از بهترین شیوه ها و وجوه اشتراک یا افتراق مفاهیم عمده و مهم قرآنی - از جمله دو حوزه معنایی کفر و ایمان - است.

آیه: «الملك یومئذ لیه حکم بینهم، فالذین آمنوا و عملوا الصالحات فی جنات النعیم. والذین کفروا و کذبوا بایاتنا فاولئک لهم عذاب مهین» [حج/۵۶-۵۷]. (فرمانروایی در آن روز برای خداست. میانشان حکم می کند پس کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند در بهشتهای پر نعمتند و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را دروغ شمردند، پس برای آنان عذاب خوارکننده ای است)، از این گروه است که مثل آیه ۱۲ سوره محمد - که در ذیل عامل قبلی از آن سخن گفته شد - تقابل و تضاد میان کفر و ایمان را از دو جنبه بیان می کنند:

الف: افتراق در سیر و سلوک مؤمنان و کافران، و پیامدهای ناشی از کفر و ایمان

ب: افتراق و اختلاف در عقاب و ثواب، به عنوان آخرین پیامد کفر و ایمان؛ به طوری که هر کدام از مؤمنان یا کافران با انتخاب یکی از راههای کفر و ضلالت یا ایمان و هدایت، مسیر جداگانه ای را طی می کنند و با پیگیری رفتارهای جداگانه ای در این عالم، آینده

حمایت خداوند - که بهترین ناصر است - می باشد، در حالی که کافر - با توجه به لای نفی جنس - هیچ یآوری نخواهد داشت [فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۸، ۱۵۰].

۴. آیاتی که حالات درونی و قلوب کافران و مؤمنان را مختلف و وصف می کنند. یکی از آثار مهم ایمان در زندگی انسان، دست یافتن به آرامش روحی و روانی است. این آرامش، به دو جهت است:

اولاً، بدان جهت است که خداگرایی در انسان فطری است. فطرت انسان ناخودآگاه در تب و تاب است تا به این خواسته خود، دست یابد و تا به آن نرسد، آرام و قرار نمی گیرد. حال رسیدن به هیچ خواسته ای، نمی تواند جای آن را بگیرد. به همین خاطر، انسانی که یاد خدا را در دل خویش جای دهد و ارتباط روحی میان خود و خدا برقرار کند، آرامش عمیقی توأم با رضایت و خشنودی به دست می آورد.

ثانیاً، از آن جهت است که فرد مؤمن با توکل و اعتماد به خدا و دل بستن به الطاف و عنایات او، هرگز یأس و ناامیدی را به دل خویش راه نمی دهد. از این رو، با ایمان به مبدأ و معاد و دل بستن به زخارف دنیوی، به هنگام از دست دادن آنها مضطرب و ناراحت نمی شود. اما کافران که به دلیل بی اعتقادی به مبدأ و معاد فقط هدف و خواسته شان را در دنیا و نعمتهای فانی آن جستجو می کنند، طبیعتاً نگران از دست دادن آنها و حسرت نداشته ها را می خورند و بدین ترتیب، آنان هرگز روی آرامش و قرار را نمی بینند.

از این رو، برخی از آیات، قلب مؤمنان را به دلیل ذکر نام خداوند، مالا مال از صفا و آرامش ملکوتی وصف می کنند؛ در مقابل قلبهای کافران، که مثل سنگ و بلکه سخت تر از آن وصف می شوند. در این باره قرآن می فرماید: «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله. الا بذكر الله تطمئن القلوب» [رعد/ ۲۸] (آنان که ایمان آوردند و دلهایشان به یاد خدا آرامش می یابد. آگاه باشید که دلها به یاد خدا آرامش می یابد).

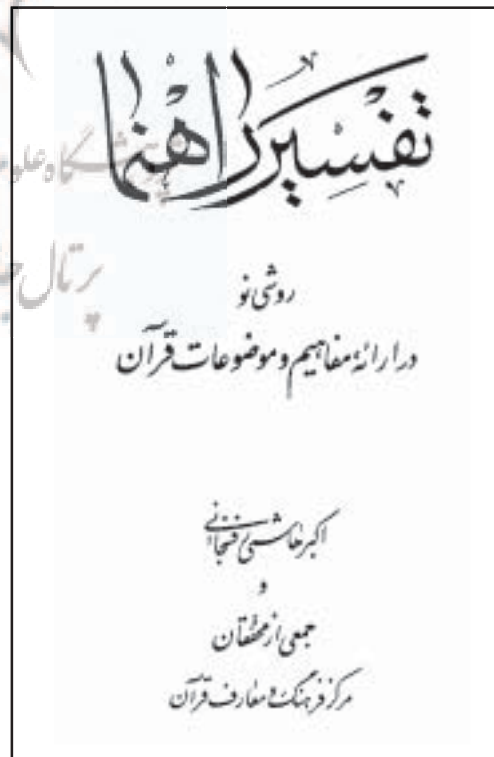
میزان آرامش روحی هرکس، متناسب با ایمان و پیوند قلبی او با خداوند است. هرچه ایمان قویتر باشد، آرامش روحی نیز به همان میزان افزایش می یابد. اما کسانی که ایمان سست و ضعیفی دارند، آرامش ایشان نیز کمتر خواهد بود. به همین خاطر، کافران بی ایمان، هیچ بهره ای از آرامش و ثبات ندارند، و قلب و دلشان هم مثل سنگ، سفت و سخت است.

در آیه: «ثم قست قلوبكم من بعد ذلك فهي كالحجارة او أشد قسوة و ان من الحجارة لما يتفجر منه الانهار، و ان منها لما يشفق فيخرج منه الماء و ان منها لما يهبط من خشية الله و ما الله بغافل عما تعملون» [بقره/ ۷۴] (پس، دلهای شما پس از آن چون سنگ سخت گردید یا سختتر [از سنگ] که بدرستی که از سنگ گاه جویها روان شود و بدرستی که چون شکافته شود آب از آن بیرون جهد و گاه از ترس خدا از فراز به نشیب فرو غلتد و خدا از آنچه می کنید غافل نیست)، قلبهای قوم بهانه جو و کافر بنی اسرائیل را که بعد از دیدن معجزات متعدد باز کافر شده بودند، مثل سنگ و بلکه سخت تر از آن وصف می کند، چه آنکه سنگ با وجود سفت و سخت بودنش در مقابل عظمت پروردگار خاشع می شود، و حال آنکه دل کافران خاشع نمی شود.

و آخرت متفاوت خویش را رسم می کنند.

۳. آیاتی که یار و معین متفاوتی را برای مؤمنان و کافران بیان می کنند؛ همچون آیه: «الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الى النور و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من النور الى الظلمات . . .» [بقره/ ۲۵۷] (خداوند یار کسانی است که ایمان آوردند، آنان را از تاریکیها به روشنایی بیرون می برد. و آنان که کافر شدند، یارانشان طاغوت است، آنان را از روشنایی به تاریکیها بیرون می برد). از آنجا که ولی حقیقی و واقعی، خداوند باری تعالی است اولیای دیگر غیر از او ارزش و اعتباری ندارند. به عبارت دیگر، بودن یا نبودن آنها، سودی به حال کافران نخواهد داشت. به همین خاطر، جای هیچ گونه تعجب نیست که در مثال ذیل، کافران را مطلقاً بی یاور معرفی می کند؛ «افلّم یسیروا فی الارض فیظنّوا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم دمرالله علیهم و للکافرین امثالها ذلک بان الله مولی الذین آمنوا و ان الکافرین لامولی لهم». [محمد/ ۱۰-۱۱] (پس، آیا در زمین سیر نکردند پس بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آن بودند، چگونه بود. خداوند آنان را هلاک کرد و برای کافران امثال آن [عاقبت] خواهد بود. این بدان سبب است که بدرستی خداوند یاور کسانی است که ایمان آوردند و بدرستی کافران هیچ یآوری ندارند).

فخر رازی در ذیل این آیات می گوید: «در این کلام، تباین عظیمی میان کافر و مؤمن است؛ زیرا که مؤمن مورد نصرت و



۵. آیتی که با ارائه سیمای متفاوتی از مؤمنان و کافران، صف آرایی جداگانه ایشان را در روز قیامت به تصویر می کشاند؛ همچون: «یوم تبيض وجوه وتسود وجوه فاما الذين اسودت وجوههم اكفرتم بعد ايمانكم فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون. و اما الذين ابيضت وجوههم ففي رحمة الله هم فيها خالدون» [آل عمران/ ۱۰۶-۱۰۷] (آن روزی که گروهی سپیدروی و گروهی سیاه روی شوند پس اما [به] آنان که سیاه روی شدند [گفته می شود]، آیا شما پس از ایمانتان کافر شدید. پس به سبب کافرشدنتان عذاب را بچشید و اما کسانی که سپیدروی شدند پس همواره در رحمت خداوندند).

نظیر این عبارات را در سوره عبس نیز مشاهده می کنیم که همگی، تقابل و تضاد کفر و ایمان را بوضوح بیان می کنند: «وجوه یومئذ مسفرة. ضاحكة مستبشرة. و وجوه یومئذ علیها غبرة. ترهقا قرة. اولئك هم الكفرة الفجرة» [عبس/ ۳۸-۴۲] (چهره هایی که در آن روز درخشانند، خندانند و شادانند. و چهره هایی در آن روز غبارآلودند، در سیاهی فرو رفته اند. اینان کافران و فاجراند).

۶. آیتی که مقوله ایمان را ارزش، ولی مقوله کفر را صدارزش معرفی می کنند: از دیدگاه اسلام، یکی از ملاکهای اساسی در امر ازدواج، ایمان و تقواست. انتخاب همسر و تشکیل زندگی مشترک، بایستی بر اساس همین معیار و مواردی از این قبیل - که در متون دینی به آنها اشاره شده است - باشد. اسلام ضمن نفی هرگونه مقیاسهای مادی و ظاهری، ملاک اصلی برای ازدواج و تشکیل خانواده را، ارزشهای دینی معرفی می کند و قوام خانواده و به تبع آن پایداری جامعه را بسته به ایمان و خلق و خوی نیک افراد می داند. عواملی همچون: رئیس و مرئوس بودن، باسواد و بی سواد بودن، فقیر و غنی بودن و بنده و آزاد بودن، هیچ کدام ملاک انتخاب همسر نیستند. آنچه از دیدگاه اسلام در این باره اهمیت دارد، ایمان و ارزشهای دینی است. به همین خاطر، در آیه: «ولا تنكحوا المشركات حتی يؤمنن، و لامة مؤمنة خیر من مشرکة ولو اعجبکم، و لاتنكحوا المشركین حتی يؤمنوا و لبعید مؤمن خیر من مشرک ولو اعجبکم، اولئك یدعون الی النار، و الله یدعو الی الجنة و المغفرة باذنه و یبین آیاته للناس لعلهم یتذکرون» [بقره/ ۲۲۱] (زنان مشرکه را تا ایمان نیاورده اند به زندگی مگیرید و کنیز مؤمنه بهتر از آزاد زن مشرکه است، هر چند شما را از او خوش آید. و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده اند، زن مؤمنه ندهید. و بنده مؤمن بهتر از مشرک است، هر چند شما را از او خوش آید. اینان به سوی آتش دعوت می کنند و خدا به جانب بهشت و آمرزش. و آیات خود را برای مردم آشکار بیان می کند، باشد که به یاد آورند). ضمن بی ارزش قلمداد کردن شرک که نمود بارزی از کفر است، ایمان را صراحتاً به عنوان مهمترین ملاک همسرگزینی بیان می کند [بغوی، معالم التنزیل، ج ۱، ۲۹۰؛ هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۲، ۱۹۴].

۷. آیتی که از تبدیل ایمان به کفر، و کفر به ایمان سخن می گویند. برخی از آیات قرآن کریم ضمن هشدار به مؤمنان درباره خطر ارتداد، کفر و ایمان را به عنوان دو خصمت متضاد معرفی می کنند که با وجود قابل جمع نبودن در آن واحد در دل شخصی، ممکن است به مرور زمان، انسانی به صورت متبادل متصف به یکی از آنها بشود. در واقع، خطر کفر و ارتداد همواره برای انسان وجود دارد. در این باره به دو آیه اشاره می شود:

الف: «من کفر بالله من بعد ایمانه الامن اکره و قلبه مطمئن

بالایمان و لکن من شرح بالکفر صدرا فعلیهم غضب من الله و لهم عذاب عظیم» [نحل/ ۱۰۶] (کسی که پس از ایمانش به خدا کافر شود، مگر کسی را که به زور واداشته اند و حال آنکه قلبش به ایمان مطمئن است، بل آنان که در دل را به روی کفر می گشایند، مورد خشم خدایند و عذابی بزرگ برایشان است).

ب: «یا ایها الذین آمنوا ان تطیعوا الذین کفروا یردکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین» [آل عمران/ ۱۴۹] (ای کسانی که ایمان آوردید اگر از کسانی که کافر شدند پیروی کنید، شما را به آیین پیشین برمی گردانند پس زیاننده بازمی گردید).

آیات فراوانی با تعبیرهای مختلف و متنوعی، تقابل کفر و ایمان را از جهات متعدد دیگری بیان می کنند؛ که از ذکر همه آنها پرهیز می شود، و صرفاً یادآوری می گردد که با توجه به تضاد کفر با ایمان، مفاهیم مربوط به حوزه همدیگر نیز با این دو، در تضادند.

منابع:

۱. ایزوتسو، توشیهیکو، خداوند و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی و زبانشناسی
۲. همو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، فروزان، ۱۳۷۸
۳. بغوی، ابومحمدحسین بن مسعود، معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۵ ه. ق.
۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ ه. ق.
۵. فخر رازی، محمدبن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، داراحیاء التراث العربی
۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان، تفسیر راهنما، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱

